

امام ابوحنیفه رحمته الله و علم حدیث

علامه عبدالعزیز نعمانی

مدرس دارالعلوم زاهدان

نعمان بن ثابت مشهور به امام ابوحنیفه رحمته الله در سال ۸۰ هـ در کوفه دیده به جهان گشود و در سنین کودکی به تحصیل علم پرداخت و در حلقه درس بزرگترین فقیه عراق، حماد بن ابی سلیمان شرکت جست و در این دوران ده‌ها بار به بصره و مدینه سفر نمود و از سال ۱۳۰ تا ۱۳۶ هـ در مکه اقامت گزید و با علما و شخصیت‌های مختلفی که برای ادای مراسم حج به آنجا می‌آمدند، ملاقات نمود. (۱)

امام شمس الدین ذهبی متوفی (۷۴۸هـ) می‌گوید: «امام ابوحنیفه به فراگیری علم حدیث همت گماشت و به این منظور سفر کرد.» (۲)

امام ابوحنیفه رحمته الله پس از آنکه در علوم و فنون مختلف مهارت حاصل کرد، بجای استادش، حماد بن ابی سلیمان بر مسند تدریس نشست، وی که از استعداد فوق العاده و هوش سرشار بر خوردار بود، به عنوان بزرگترین فقیه عراق شهرت یافت و شیفتگان علم و دانش از گوشه و کنار جهان در درس او شرکت می‌جستند، تا آنجا که محدثینی همچون، عبدالله بن مبارک و حفص بن غیاث؛ و فقهای هم‌اند: ابویوسف، امام محمد شیبانی، امام زفر و حسن بن زیاد؛ و زاهدان و پارسایانی مثل: فضیل بن عیاض و داود طائی، به خیل شاگردان او پیوستند. شهر کوفه که زادگاه امام ابوحنیفه رحمته الله بود، یکی از

در ادوار مختلف تاریخ اسلام، شخصیتها و علمای زیادی پا به عرصه ظهور نهادند، که هر یک از آنها به منظور احیاء و تجدید دین، گامهای مؤثری برداشته‌اند و کارنامه‌های علمی ارزنده‌ای را به نام خویش به ثبت رسانیده‌اند.

از این میان، محدثان و فقها را می‌توان نام برد که در جهت صیانت و حفاظت سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از حریم آن، پاسداری نمودند. و با طی نمودن سفرهای طولانی و طاقت فرسا و تحمل آلام و رنجها، مجموعه احادیث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را برای هدایت امت اسلامی به ارمغان آوردند. و با استنباط از کتاب و سنت و اجتهاد در مسایل نوین، پویایی دین مبین اسلام را آشکار نمودند تا غبار کهنگی و ارتجاع بر آن نشیند و در هر عصر و زمان پاسخگوی نیازهای جهان بشریت قرار گیرد.

یکی از این شخصیت‌های بارز تاریخی امام ابوحنیفه رحمته الله می‌باشد، وی نخستین کسی بود که به تدوین علم فقه پرداخت و به استنباط از کتاب الله و سنت و اجتهاد در مسایل جدید، روی آورد؛ دیری نپایید که مذهب وی از شهرت خاصی بر خوردار شد و به عنوان بزرگترین و پرطرفدارترین مذهب اسلامی قرار گرفت.

از این رو مخالفان، مخالفت گسترده‌ای را با مذهب امام ابوحنیفه رحمته الله آغاز کردند و اتهامات بوج و ناروایی را به آن امام عالی مقام نسبت دادند که علما و اندیشمندان مذاهب اسلامی به دفاع از امام ابوحنیفه رحمته الله برخاستند و در مناقب وی کتابهای متعددی نگاشتند.

با این وجود، آتش عداوت و دشمنی حسودان و کینه توزان هر از چند گاهی، شعله ور می‌شود و همان اتهامات کهنه و بی ارزش را مطرح می‌نمایند، که مقاله حاضر در جهت فرونشاندن آن، تقدیم به حق جویان و واقع بینان می‌گردد.

۱- سیاعی، دکتر مصطفی، السنة النبویة و مکانتها فی التشریح الاسلامی، ص: ۴۰۱-۴۰۲ چاپ: المکتب اسلامی، ۱۴۰۲ هـ ۱۹۸۲ م - بیروت

۲- ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج: ۶، ص: ۳۹۲، چاپ: مؤسسه الرساله بیروت، ۱۴۱۴ هـ ۱۹۹۴ م

مراکز بزرگ علمی جهان اسلام به شمار می آمد. زیرا این شهر در زمان خلافت خلیفه دوم حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه و به دستور وی تأسیس شد. بخاطر موقعیت جغرافیایی خوب و آب و هوای مناسب به سرعت ترقی کرد. در آن هنگام حضرت عمر رضی الله عنه حضرت عمار بن یاسر رضی الله عنه و عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه را به کوفه فرستاد، فرمود: «اینی قد بعثت إليك عماراً أميراً، وابن مسعود معلماً و وزيراً و هما من النجباء من أصحاب محمد صلى الله عليه و آله، من اهل بدر، فاسمعوا لها و اقتدوا بهما و قد آثرتمك بعبدالله على نفسي» (۱)

«ای اهل کوفه! من برایتان عمار را بعنوان امیر و ابن مسعود را بعنوان معلم و جانشین خویش فرستاده‌ام؛ این دو، از یاران برگزیده محمد صلى الله عليه و آله و از اهل بدراند، به فرمان آن دو گوش دهید و از آنان پیروی نمایید. من عبدالله بن مسعود را برایتان بجای خویش ترجیح داده‌ام.»

حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه از مقام علمی شامخی برخوردار بود و به همین دلیل حضرت عمر رضی الله عنه او را به جای خویش به کوفه فرستاد و فرمود: «کنیف ملى فقهاً آثرت به أهل القادسية» (۲)

حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه تا اواخر خلافت حضرت عثمان رضی الله عنه به تعلیم و تدریس پرداخت، تا آنجا که شهر کوفه، مرکز علما و فقها قرار گرفت؛ هنگامیکه حضرت علی رضی الله عنه به خلافت رسید رسماً دارالخلافت را به کوفه منتقل ساخت و پس از آنکه در آنجا به عده زیادی از علما و فقها مواجه شد، فرمود: «رحم الله ابن ام عبد قد ملأ هذه القرية علماً» (۳)

«خداوند بر ابن مسعود ترحم نماید، که این قریه را از علم پر کرده است.»

در زمان خلافت حضرت علی رضی الله عنه، کوفه به یکی از مراکز مهم علمی و تاریخی جهان اسلام تبدیل شد و محدثان و فقها از اطراف و اکناف عالم اسلام به آنجا روی می آوردند.

علامه عجللی می گویند: «بیش از هزار و پانصد تن از یاران پیامبر صلى الله عليه و آله که در میانشان بیست و چهار نفر از اهل بدر بودند؛ در شهر کوفه اقامت گزیدند» (۴)

و به همین خاطر سفیان بن عیینه رضی الله عنه می فرمود: «خُذُوا المناسک عن أهل مكة و خُذُوا القراءة عن أهل المدينة و خُذُوا الحلال و الحرام عن أهل كوفة» (۵)

«مناسک حج را از اهل مکه بیاموزید و قراءت قرآن را از اهل مدینه، و مسایل حلال و حرام را از اهل کوفه.» از این رو، این مرکز علمی تأثیر بسزایی در رشد و شکوفایی مذهب امام ابوحنیفه رضی الله عنه داشت.

مقام امام ابوحنیفه؛ در علم حدیث:

بدون تردید امت اسلامی اتفاق نظر دارد که امام ابوحنیفه رضی الله عنه از ائمه مجتهدینی است که با آگاهی کامل از کتاب و سنت رسول الله صلى الله عليه و آله، به استنباط مسایل پرداخته و مذهبش را بر اساس کتاب و سنت بنیان نهاده است.

زیرا یکی از شرایط اجتهاد آن است که مجتهد بر احادیث احکام احاطه کامل داشته باشد؛ در صورتیکه احادیث احکام به چندین هزار برآورد می شوند، چگونه ممکن است که امام ابوحنیفه رضی الله عنه بدون آگاهی از مجموعه احادیث احکام به استنباط مسایل و اجتهاد، دست یازد؛ و چگونه مذهب وی به عنوان بزرگترین و گسترده ترین مذهب جهان اسلام مورد قبول محدثان و فقها قرار می گیرد و بیش از سیزده قرن * سواد اعظم امت اسلامی از آن اتباع نمایند؟!

امام محمد بن یوسف صالحی شافعی در این باره می گوید: «امام ابوحنیفه رضی الله عنه از حافظان بزرگ حدیث و اعیان آن فن بشمار می آید. و اگر او به حدیث اعتنا نمی کرد، استنباط فقهی بر او فراهم نمی شد، و اینکه امام ذهبی رضی الله عنه نام او را در کتاب «طبقات الحفاظ» نقل کرده به واقعیت عمل کرده است.»

۱- همان مرجع، ج: ۱، ص: ۴۸۶

۲- ابن سعد، طبقات الکبری لابن سعد، ج: ۲، ص: ۳۴۴، چاپ: دار بیروت ۱۴۰۵ هـ ۱۹۸۵ م

۳- کوثری محمد زاهد، مقدمه نصب الرأیة للحافظ زیلعی، ج: ۱، ص: ۱۵، دارالکتب العلمیة ۱۴۱۶ هـ ۱۹۹۶ م

۴- الدولابی، کتاب الکنی و الأسماء، ج: ۱، ص: ۱۷۴، چاپ: حیدرآباد، هند ۱۳۲۲ هـ

۵- حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج: ۴، ص: ۴۹۳

* مذهب امام ابوحنیفه؛ در قرن دوم و سوم هجری تدوین شد.

اما روایات حدیث امام ابوحنیفه رحمته الله با وجود حافظه قوی و هوش سرشار بدان جهت محدود است که وی به استنباط مسایل پرداخته و به همین دلیل روایات امام مالک رحمته الله و امام شافعی رحمته الله نیز محدود می باشد. چنانکه روایات نقل شده از شخصیت‌هایی همانند ابوبکر رضی الله عنه و عمر رضی الله عنه که از بزرگان صحابه‌اند نسبت به صحابه دیگر، بسیار اندک است. (۱)

اقوال و اظهار نظرهای محدثان بزرگ و ائمه جرح و تعدیل در مورد شخصیت امام ابوحنیفه رحمته الله نیز دلالت بر مقام شامخ علمی و تبخر وی در فن حدیث دارد. امام جرح و تعدیل، یحیی بن معین رحمته الله می فرماید: «کان ابوحنیفه ثقة فی الحدیث» (۲) «ابوحنیفه در روایت حدیث قابل اعتماد و موثق است.»

ابوغسان می گوید من از اسرائیل بن یونس شنیدم که می فرمود: «کان نعم الرجل نعمان، ما کان أحفظه لکل حدیث فیه فقه.» (۳)

«نعمان (ابوحنیفه) مرد بسیار خوبی است وی احادیث مسایل فقهی را بخوبی حفظ دارد.»
و امام ابویوسف می فرماید: «كنت ربما ملت الى الحدیث، و كان هو أبصر بالحدیث منی.»

«من گاهی به حدیث رجوع می کردم اما (امام ابوحنیفه) در احادیث صحیح نسبت به من از آگاهی بیشتری برخوردار بود.»

علامه احمد بن حجر هیتمی مکی رحمته الله در کتاب «الخيرات الحسان فی مناقب ابی حنیفه النعمان» چنین مرقوم می دارد:

«بر حذر باش از آنکه گمان ببری امام ابوحنیفه رحمته الله به غیر از علم فقه در سایر علوم آگاهی کامل نداشته؛ منزّه است خدای تعالی، او در علوم شرعی اعم از تفسیر، حدیث و علوم ادبی بسان دریایی بی کران و امام عالی مقام بود. و قول برخی از دشمنان او بر خلاف واقعیت است و از روی حسد بوده است.» (۴)

و مؤرخ شهیر اسلامی، عبدالرحمن بن خلدون متوفی (۸۰۸ هـ) در این باره می گوید: «و گاهی برخی از متعصبان کجرو، چنین می گویند که برخی از پیشوایان در حدیث کم بضاعت بوده‌اند، از این رو، روایت ایشان

اندک بوده است؛ در صورتیکه چنین عقیده‌ای درباره پیشوایان بزرگ به هیچ رو مورد ندارد.

زیرا شریعت حتماً از کتاب (قرآن) و سنت استنباط می شود. و کسی که در حدیث کم بضاعت باشد بر او لازم می شود که آن را بجوید و روایت کند، و در این راه بکوشد و همواره آماده فراگرفتن آن باشد تا بتواند دین را از اصول صحیح بدست آورد. و احکام را از صاحب دین و کسی که از سوی خدا مبلغ آن است فرا گیرد. و البته کسانی از پیشوایان، کمتر روایت دارند که به سبب بر خورد با نکوهشها در این راه و عللی که مایه قدح در طرق حدیث می شود، روایات کمتری برمی گزینند... و امام ابوحنیفه، از این رو کمتر روایت داشت که در شروط روایت و نقل و ضعف روایت حدیث یقینی، هنگام معارضه آن با فعل نفسی سختگیری می کرد. و بدین سبب روایت او تقلیل یافت نه از این رو که روایت حدیث را فرو گذاشت و زینهار که وی بعمد حدیث را ترک گفته باشد، زیرا او از مجتهدان بزرگ در علم حدیث بود و شیوه او در میان عالمان (حدیث) مورد اعتماد و تکیه گاه بشمار می رفت و نظر وی در رد و قبول، اعتبار داشت؛ ولی دیگر محدثان که اکثریت را تشکیل می دهند، شروط حدیث را وسعت دادند و در نتیجه روایات ایشان افزایش یافت، و همه آنان مجتهداند و بحسب اجتهاد خویش عمل می کنند و اصحاب ابوحنیفه که پس از وی شروط حدیث را وسعت دادند روایات بسیار داشتند.» (۵)

با این وجود برخی از پژوهشگران «کتاب الآثار» را تألیف خود امام ابوحنیفه رحمته الله می دانند. که امام محمد رحمته الله از

۱- به نقل از السباعی، مصطفی، السنة و مکانتها فی التشریح الاسلامی، ص: ۴۱۴ المکتب الاسلامی، ۱۴۲۰ هـ ۱۹۸۲ م
۲- عسقلانی، ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج: ۱۰، ص: ۴۰۲، دارالکتب العلمیة ۱۴۱۲ هـ ۱۹۹۴ م
۳- بغدادی، خطیب، تاریخ بغداد، ج: ۱۳، ص: ۳۳۹، چاپ المکتبة السلفية، مدینه منوره.
۴- هیتمی، احمد بن حجر، الخیرات الحسان فی مناقب ابی حنیفه النعمان، ص: ۶۴ چاپ: ایچ، ایم، سعید کمپنی، کراچی ۱۴۱۴ هـ
۵- ابن خلدون، مقدمه، ج: ۲، ص: ۹۰۵، ترجمه محمد پروین گنابادی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶ هـ ش - تهران

اصحاب رأی و اصحاب حدیث:

عصر نهضت فقهی و تأسیس مذاهب از ابتدای قرن دوم هجری شروع شد. و تا نیمه قرن چهارم ادامه یافت. در این دوره فقه و تشریح از لحاظ اجتهاد و فروع مذهبی به اوج تکامل خود رسید. و در نتیجه تحولاتی که در کشورهای مختلف اسلامی به وجود آمد و اقوام و ملت‌های با فرهنگ و ادیان مختلفی تحت پوشش آن قرار گرفتند که هر کدام مسایل فراوانی را به دنبال داشت و از فقیه پاسخ می‌طلبیدند، مشکل اینجا بود که تنها به بخش کوچکی از این مسایل مستحده در سنت پیامبر ﷺ پاسخ داده شده بود، زیرا این سؤالات، موضوعات جدیدی بودند و در عصر نبوت نظراً و عملاً وجود نداشتند. ولی هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ عملی پاسخ می‌خواستند، از این رو فقها با مسایل و وقایع زیادی مواجه شدند تا جایی که برای مسئله واحدی آرای متعددی ابراز و برای هر اقلیمی احکام مخصوص تدوین می‌شد که دیگران بدان ملزم نبودند.^(۳)

لذا در این دوره دو نوع تفکر وارد میدان فقه و اجتهاد گردید: یکی تعمق در معانی نصوص و توجه به علل احکام و مراعات مصلحت و مقاصد شارع، که صاحبان این طرز تفکر به «اصحاب رأی» شهرت یافتند؛ و دیگری توقف در حد نصوص کتاب و سنت، که این گروه به «اصحاب سنت» شهرت یافتند.

اما برخی از معاندین و مستشرقین بر آنند که: «اصحاب حدیث و سنت» بر کسانی اطلاق گردد که از نصوص کتاب و سنت پیروی می‌کنند. و «اصحاب رأی» به کسانی اطلاق گردد که رأی و نظرشان را بر نصوص کتاب و سنت ترجیح می‌دهند، اما واقعیت بر خلاف این مدعاست. زیرا نه «اصحاب حدیث» ضرورت رأی و قیاس را انکار می‌ورزند و نه «اصحاب رأی» اولویت

شاگردان برجسته امام آن را روایت کرده است، از این رو کتاب «الآثار» به امام محمد منسوب است، کما اینکه امام محمد ﷺ مؤطای امام مالک ﷺ را از او روایت کرده و بنام امام محمد ﷺ شهرت یافته است. آنان برای اثبات مدعای خویش از قول امام موفق مکی ﷺ استناد می‌جویند که در مناقب امام ابوحنیفه ﷺ مرقوم می‌دارد: «استخب ابوحنیفه الآثار من اربعین ألف حدیث»^(۱) «ابوحنیفه، کتاب الآثار را از میان چهل هزار حدیث برگزیده است.»

در هر صورت محدثان و فقهای احناف در اعصار و قرون مختلف به بررسی دلایل و مستندات مذهب امام ابوحنیفه ﷺ پرداخته‌اند و در تأیید و ترجیح مذهب وی کتابهای متعددی را تألیف نموده‌اند. که نام برخی از آنها را ما در ذیل می‌آوریم:

- (۱) کتاب الآثار و مؤطای امام محمد شیبانی (متوفی ۱۸۹ هـ) از شاگردان برجسته امام ابوحنیفه ﷺ
- (۲) کتاب شرح معانی الآثار در چهار جلد قطور، تألیف امام ابو جعفر طحاوی متوفی (۳۲۱ هـ)
- (۳) جامع المسانید، تألیف امام ابوالمؤید محمد بن محمد خوارزمی متوفی (۶۶۵ هـ)
- (۴) اللباب فی الجمع بین السنة و الکتاب، امام ابو محمد علی بن زکریا المنجی متوفی (۶۸۶ هـ)
- (۵) الجواهر النقی، علامه علاء الدین بن علی بن عثمان ماردینی متوفی (۷۴۵ هـ)
- (۶) عقود الجواهر المنیفة فی أدلة الامام ابی حنیفة - سید محمد مرتضی زبیدی متوفی (۱۲۰۵ هـ)
- (۷) آثار السنن - محمد بن علی نیموی متوفی (۱۳۲۲ هـ)

(۸) اعلاء السنن تألیف - مولانا ظفر احمد عثمانی، متوفی (۱۳۹۴ هـ) کتاب مذکور در ۱۸ جلد تدوین شده است و بزرگترین و جامع‌ترین کتابی است که در این باره نگاشته شده است. چنانکه علامه محمد زاهد کوثری در مورد آن می‌گوید: «من از تدوین و تحقیق آن شگفت زده شدم که چگونه به بررسی و تحقیق یکایک احادیث پرداخته بدون آنکه در تأیید مذهبش تکلف نماید. من واقعاً به این اثر علمی غبطه می‌خورم.»^(۲)

۱- موفق مکی، مناقب ابی حنیفه، ج: ۱، ص: ۹۵، چاپ حیدرآباد دکن، هند ۱۳۲۱ هـ

۲- کوثری، محمد زاهد، مقالات، ص: ۷۶-۷۵، چاپ کراچی، ۱۳۷۵ هـ

۳- زیدان، دکتر عبدالکریم، المدخل لدراسة الشریعة الاسلامیة، ص: ۱۴۱ چاپ: بغداد ۱۳۸۸ هـ

کتاب و سنت را بر رأی و قیاس منکرند.

با توجه به مشکلات عدیده‌ای که امت اسلامی با آن مواجه گردید. امام ابوحنیفه رحمته الله علیه که از طلایه داران فقه اسلامی و اصحاب رأی به شمار می‌آمد، به تدوین علم فقه و پاسخگویی مسایل جدید پرداخت.

چنانکه علامه عبدالرحمن سیوطی رحمته الله علیه در کتاب «تبیض الصحیفة فی مناقب ابي حنیفة» مرقوم می‌دارد: «ابوحنیفه رحمته الله علیه نخستین کسی بود که به تدوین علم شریعت پرداخت. و آن را به صورت ابواب مرتب نمود. چنانچه امام مالک رحمته الله علیه نیز در تدوین «موطأ» از او تبعیت نمود، تا آن زمان کسی از ابوحنیفه در این امر سبقت نگرفته بود، زیرا در عصر صحابه و تابعین، کتابهای مدونی در علوم شریعت به معنای واقعی تألیف نشده بود. آنان در پاسخگویی مسایل از حافظه خود کمک می‌گرفتند. از این رو، هنگامیکه امام ابوحنیفه رحمته الله علیه علم را پراکنده دید، از ضایع شدن آن بیم برد، و لذا آن را مرتب نمود.»^(۱)

امام ابوحنیفه رحمته الله علیه دامنه علم فقه را چنان وسعت بخشیدند که خطیب خوارزمی می‌گوید: «انه وضع ثلاثة آلاف و ثمانین ألف مسألة، منها ثمانية و ثلاثون الفاً فی العبادة و الباقی فی المعاملات.»^(۲) «وی هشتاد و سه هزار مسأله تدوین نمود که سی و هشت هزار از آنها در مورد عبادات بود و بقیه در مورد داد و ستد.»

اجتهادات و تئوری پردازیهای امام ابوحنیفه در مورد مسایل برای محدثین سختگیر و متشدد که معتقد بودند در پاسخگویی به مسایل نباید از قیاس و رأی استفاده کرد، بسیار نامحتمل بود چنانکه برخی به مخالفت با ابوحنیفه رحمته الله علیه پرداختند. عبدالله بن مبارک می‌گوید: «در شام نزد امام اوزاعی رفتم، پس از ملاقات، از من پرسید: ای خراسانی! شخص مبتدعی که در کوفه سکونت دارد و باکثیه ابوحنیفه شهرت دارد کیست؟ عبدالله بن مبارک می‌گوید: «من چیزی نگفتم و به خانه برگشتم و از میان کتابهای ابوحنیفه مسایل جدید و مهمی را جمع آوری کردم، و پس از سه روز به مسجد امام اوزاعی رفتم، امام اوزاعی از من پرسید: «این چه کتابیست؟» من کتاب را به او دادم و در آغاز هر مسأله نوشته بودم: «قال النعمان» امام اوزاعی رحمته الله علیه پاره‌ای از کتاب را خواند و سپس کتاب را

در آستین خود گذاشت و پس از ادای نماز باز کتاب را مورد مطالعه قرار داد و از من پرسید: «ای خراسانی! نعمان بن ثابت کیست؟» من گفتم: «عالمی در عراق است.» امام اوزاعی رحمته الله علیه گفتند: «عالم نجیب و شریفی است نزد او برو و از او علم فرا بگیر.»

عبدالله بن مبارک رحمته الله علیه می‌گوید: «من گفتم: نعمان بن ثابت همان ابوحنیفه است که تو از او مرا بر حذر می‌داشتی!»^(۳)

عدم آگاهی از شخصیت و مذهب امام ابوحنیفه رحمته الله علیه سبب شد تا برخی نسبت به او و مذهبش بدبین شوند، و امام را شریعت ساز و نا آگاه از کتاب و سنت بدانند، در حالیکه امام ابوحنیفه رحمته الله علیه در مورد اصول مذهب خویش می‌فرماید: «أخذ بكتاب الله، فإن لم أجد فبسنة رسول الله صلى الله عليه وسلم، فإن لم أجد في كتاب الله و سنة رسول الله صلى الله عليه وسلم أخذت بقول أصحابه، أخذ بقول من شئت منهم، فلما انتهى الأمر إلى التابعين، فقوم اجتهدوا، فاجتهد كما اجتهدوا.»^(۴)

دکتر مصطفی سباعی رحمته الله علیه در ذیل گفتار امام می‌نویسد: موارد فوق اصول مذهب امام ابوحنیفه هستند که در فقه و اجتهاد آنها را مد نظر قرار داده است. همانگونه که می‌بیند اصول مذهب امام ابوحنیفه با اصول مذاهب ائمه دیگر و خصوصاً ائمه ثلاثه کاملاً مطابقت دارد. انصاف آن است که نام امام ابوحنیفه باید در تاریخ جاودان می‌شد و بر مقام، مرتبه و خدمات ارزنده او برای اسلام اتفاق نظر می‌شد؛ زیرا او از اساطین فقه بشمار می‌آید و به جهان اسلام شاگردان ممتازی را تحویل داده است.

اما با کمال تأسف می‌بینیم که معاصرین امام ابوحنیفه در مورد او غوغا به پا نموده‌اند چنانکه اثرات آن پس از وفات آن امام عالیقدر نیز محسوس می‌شود.^(۵)

۱- سیوطی، جلال الدین، عبدالرحمن، «تبیض الصحیفة فی مناقب ابي حنیفة» ص: ۱۲۹-۱۳۰ - اداره القرآن و العلوم الاسلامیة، کراچی ۱۹۹۰ م - ۱۴۱۱ هـ

۲- کردری، امام محمد، مناقب ابي حنیفة، ص: ۱۶۲ - دارالکتب العربی، ۱۴۰۱ هـ - ۱۹۸۱ م

۳- خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج: ۱۳، ص: ۳۳۸ - چاپ المکتبة السلفية - مدينة منورة

۴- همان مرجع - ج: ۱۳ - ص: ۳۶۸

۵- سباعی، مصطفی، السنة و مکاتنه فی التشریح الاسلامی

در هر حال علما و اندیشمندان مذاهب اسلامی اتهامات منسوب به امام ابوحنیفه رحمته الله را پوچ و ناروا دانسته‌اند و آنها را تکذیب کرده‌اند.

امام ابن تیمیه حنبلی رحمته الله می‌فرماید: «ومن ظن بأبي حنيفة أو غيره من أئمة المسلمين، أنهم يستعمدون مخالفة الحديث الصحيح لقياس أو غيره، فقد أخطأ عليهم، و تكلم إماما بظن و إماما بهوى، فهذا أبوحنيفة يعمل بمحدث التوضى بالنبيذ في السفر مع مخالفته للقياس، و بمحدث القهقهة في الصلاة مع مخالفته للقياس، لاعتقاده صحتها، و ان كان أئمة الحديث لم يصححوهما»^(۱)

«هر کس گمان کند که امام ابوحنیفه یا امام دیگری از ائمه مسلمین به عمد با حدیث صحیح مخالفت کرده و قیاس را ترجیح داده‌اند، بدون تردید آن کس سخت در اشتباه است، و چنین سخنی را از روی گمان یا میل نفس خویش گفته است، زیرا ابوحنیفه به حدیث وضو گرفتن با نبیذ خرما در سفر عمل می‌کند و این خلاف قیاس است، و به حدیثی که خندیدن در نماز، مفسد آن است، عمل می‌کند در حالیکه این حدیث بر خلاف قیاس است بخاطر آنکه امام ابوحنیفه آن دو حدیث را صحیح می‌دانسته، اگر چه ائمه حدیث آن دو حدیث را ضعیف قرار داده‌اند.»

و امام محمد بن ابی بکر مشهور به ابن قیم جوزیه رحمته الله (متوفی ۷۵۱ هـ) شاگرد برجسته امام ابن تیمیه رحمته الله می‌فرماید: «شاگردان ابوحنیفه رحمته الله اتفاق نظر دارند که در مذهب امام ابوحنیفه رحمته الله عمل به حدیث بر قیاس ترجیح دارد. و امام نیز بر همین اصول مذهب خویش را تدوین نموده است...»

اولویت حدیث ضعیف و آثار صحابه بر قیاس و رأی، مذهب امام ابوحنیفه رحمته الله و مذهب امام احمد بن حنبل است.^(۲)

و امام ابن حزم ظاهری رحمته الله (متوفی ۴۵۶ هـ) می‌فرماید: «همه شاگردان و پیروان ابوحنیفه رحمته الله اتفاق نظر دارند که در مذهب امام ابوحنیفه حدیث ضعیف بر قیاس و رأی ترجیح دارد. با این وجود برخی مسایل و اقوالی را نقل کرده‌اند و ادعا نموده‌اند که امام ابوحنیفه رحمته الله بر برخی موارد، قیاس را بر حدیث صحیح ترجیح می‌داده

است.^(۳)

با این وجود برخی مسایل و اقوالی را نقل کرده‌اند و مدعی شده‌اند که امام ابوحنیفه رحمته الله در آنها قیاس را بر حدیث صحیح، ترجیح داده است.

یکی از ناقلان احمد بن علی مشهور به خطیب بغدادی (متوفی ۴۶۳ هـ) است که اقوالی را در جرح امام ابوحنیفه رحمته الله در تاریخ بغداد نقل کرده است، که علما در اعصار مختلف به نقد و بررسی آن اقوال پرداخته‌اند از آنجمله کتابهای ذیل را می‌توان نام برد:

۱- السهم المصیب فی کبید الخطیب، تألیف:

ابوالمظفر عیسی بن سیف الدین حنفی متوفی (۶۲۴ هـ)

۲- الإنتصار لائمه الامصار، علامه شمس الدین

یوسف مشهور به سبط ابن جوزی (متوفی ۶۵۴ هـ).

۳- تأنیب الخطیب علی ما ساقه فی ترجمة أبي حنيفة

من الأكاذیب. تألیف علامه محمد زاهد کوثری

(متوفی ۱۳۷۱ هـ)

ناقد دیگر مذهب امام ابوحنیفه رحمته الله، امام عبدالله بن

محمد بن ابی شیبه رحمته الله است که در کتاب «مصنف»

خویش ۱۲۵ مسأله را عنوان نموده و ادعا کرده که امام

ابوحنیفه رحمته الله به آن احادیث عمل نکرده است.

چنانچه علامه محمد زاهد کوثری رحمته الله کتابی به نام

«النکت الطریفة فی التحدث عن ردود ابن أبي شيبه علی

أبي حنيفة» و دکتر محمد قاسم عبده الحارثی در کتاب

«مکانة ابي حنيفة عند المحدثين» به رد او پرداخته‌اند.

ص: ۴۰۲، ۴۰۳

۱- ابن تیمیه، مجموع الفتاوی ج: ۲۰، ص: ۳۰۴، چاپ: مطابق الرياض ۱۳۸۱ هـ ق

۲- ابن قیم جوزیه، إعلام الموقعین ج: ۱، ص: ۷۷، مکتبه السعادة ۱۳۷۴ هـ ق

۳- ابن حزم ظاهری، الإحكام فی اصول الأحكام، ج: ۷، ص: ۵۴، مکتبه المعارف ۱۳۴۲ هـ ق